



انسان اسم اعظم و سایه بلندمرتبه و خلیفه خدا در بین جهانیان است

انسان اسم اعظم و سایه بلندمرتبه و خلیفه خداوند در بین جهانیان است، خداوند به فیض اقدس و سایه رفیع خویش تجلی کرد و از غیب مطلق و حضرت عمایی در کسوه اعیان ثابت ظهور کرد.

انسان اسم اعظم و سایه بلندمرتبه و خلیفه خداوند در بین جهانیان است، خداوند به فیض اقدس و سایه رفیع خویش تجلی کرد و از غیب مطلق و حضرت عمایی در کسوه اعیان ثابت ظهور کرد.

به گزارش خبرنگار مهر، عارف عابد و زاهد سالک، سید بن طاووس در کتاب «اقبال الاعمال» از شیخ طوسی و ابن ابی قره از ایوب بن یقظین روایت می کند که پیرامون دعای سحر از امام رضا علیه السلام پرسش کرد؛ و حضرت رضا (ع) در پاسخ وی فرمودند: «این دعای ابوجعفر محمد بن علی الباقر علیهما السلام در سحرهای ماه مبارک رمضان بوده است.» و حضرت رضا (ع) ویژگی های زیر را در مورد دعای سحر از پدرشان از امام باقر (ع) نقل می فرمایند: بزرگی درخواستهای این دعا در درگاه حق تعالی، سرعت اجابت برای دعاکننده، وجود اسم اعظم در این دعا، دعای سحر از مکنون علم حق تعالی است، سفارش به حفظ این دعا از دسترسی ناهلان.

حضرت باقر (ع) در آخر کلام خویش این دعا را، دعای «مباهله» می خوانند. و دعای مباهله، از دعاهایی است که در اعمال روز بیست و چهارم ذی الحجة (روز مباهله) خوانده می شود و مشابه دعای سحر با اضافاتی است که از ائمه معصومین (ع) نقل شده است. و در کتابهای دعا مثل «مصباح المتهجد» شیخ طوسی (ره) و «البلد الامین» و «مصباح» کفعمی و «اقبال الاعمال» نقل شده است. حضرت امام خمینی در سن ۲۷ سالگی دعای سحر را شرح کرده اند.

در ادامه قسمت بیست و هشتم شرح دعای سحر حضرت امام خمینی به نقل از ترجمه فارسی این کتاب تقدیم نگاه مخاطبان می شود:

روشن می شود که اسماء و صفات و لوازم آن ها؛ یعنی اعیان ثابت و لوازم اعیان ثابت و لوازم آن لوازم تا آخر، بلکه فیض مقدس و ظل منبسط از یک نظر، به حضور ذات حق نزد ذاتش، نزد او حاضرند و به سبب انکشاف ذاتش برای ذات، بدون تکثر و تعین، نزد او منکشف اند.

پس، اسم عین مسمی است و صورت اسماء یعنی اعیان، عین اسم و مسمی؛ و ظل منبسط عین حقیقت الهی و مستهلک در آن است و هیچ استقلال و حکمی برایش نیست و تعبیر کردن به لازم و اسم و مفهوم و غیره از الفاظ و اسماء برای مقام تعلیم و تعلم است و گرنه مکاشفات و دلایل مخالف آند و مشاهدات و علوم ذوقی علیه اش هستند.

بلکه، فهم این گونه حقایق با براهین مشائی و قیاس های فلسفی و جدل های کلامی میسر نیست:

پای استدلالیان چوبین بود پای چوبین سخت بی تمکین بود

و عارف شیراز (قده) چه خوب سروده:

مدعی خواست که آید به تماشگاه راز دست غیب آمد و بر سینه نامحرم زد

عقل می خواست کز آن شعله چراغ افروزد برق غیرت بدرخشید و جهان برهم زد

و اینچنین علمی ویژه اصحاب قلوب است که از مشکات نبوت و مصباح ولایت با ریاضتها و مجاهدت ها بهره مند شده اند. کجا ما و امثال ما را به آن راه است! ما از علم جز ظاهر آن [الفاظ و مفاهیم] و از رموز پیغمبران و اولیا و روایات آنها جز سیاهی نوشته ها و پوسته آن چیزی نمی شناسیم، زیرا ما گرفتار تاریکی عالم طبیعت هستیم و نظر ما بر آن محدود گشته و به تار عنکبوت های بافته شده عالم ماده چنگ زده ایم و همت خود را بر آن نهاده ایم، با اینکه سست ترین خانه، خانه عنکبوت است: «و ان اوهن البیوت لبیت العنکبوت».

و برای ما با این دیده های کور و زبانهای گنگ مقدور نیست انوار علوم و تجلیات ذات و صفات و اسمای او را مشاهده نماییم و

پیرامون آن سخن بگوییم: آن کس که خداوند برای او نوری قرار نداده او را هیچ نوری نخواهد بود، و نور را فقط نور درک می کند و علم را جز عالم نمی شناسد.

بلی، اگر از این سرزمین تاریک که ساکنان آن ستمگراند خارج بشویم و از این خانه وحشتناک خراب جدا گردیم و به سوی خدا و رسول او هجرت کنیم و عنایت ازلی الهی شامل ما گردد و به موت و فنا در ذات و صفت و اسماً برسیم که پاداش ما بر خداوند است و شاهد جمال و زیبایی و نور و تابش او شویم، سپس ما را به زندگانی دیگر (دوم) زنده کند و به بقای خویش نگهدارد علم شهودی و کشف حقیقی بر ایمان حاصل شود که علم حق به ذات همان علم به کمالات ذات و لوازم اسماً و صفاتش است نه به علمی متأخر از علم به ذات و نه علم دیگری، بلکه به علم متعلق به ذات در حضرت ذات. و اگر این علم بسیط در حضرت ذات نباشد حضرت واحدیت اسمایی و صفاتی و نیز اعیان ثابته که به سبب محبت ذاتی در حضرت علمی محقق گشته اند و همچنین اعیان خارجی هیچکدام تحقق پیدا نمی کنند.

حکیم متأله و شیخ عارفین، صدرالمثلهین، رضوان الله علیه، در اسفار در بیان مشرب صوفیه در علم حق تعالی می گوید: از آنجا که علم حق به ذات خود عین وجود خود اوست و اعیان همگی به وجود ذات او موجودند، همه اعیان به عقلی واحد که عقل ذات است معقول هستند، پس اعیان با وجود کثرت به عقل واحد معقولند همچنانکه با وجود کثرت به وجود واحد موجود هستند زیرا عقل و وجود در آن مقام یکی است. پس علم حق به همه اشیا در مرتبه ذات حق و قبل از وجود آنها ثابت شد.

هشدار به زبان اهل ذوق

بدان ای دوست که عوالم کلی پنجگانه سایه حضرات خمس الهی است و خداوند متعال به اسم جامع خود بر حضرات تجلی فرموده و در آینه انسان ظهور نموده است: فان الله خلق آدم علی صورته.

نظری کرد که بیند به جهان صورت خویش خیمه در آب و گل مزرعه آدم زد

انسان اسم اعظم و سایه بلندمرتبه و خلیفه خداوند در بین جهانیان است. خداوند به فیض اقدس و سایه رفیع خویش تجلی کرد و از غیب مطلق و حضرت عمایی در کسوه اعیان ثابته ظهور کرد؛ سپس از غیب مضاف و کنز مخفی و مرتبه عمانیه بنا بر مسلک شیخ عارف ما شاه آبادی، مدظله به فیض مقدس و رحمت واسعه و تفس رحمانی در مظاهر ارواح جبروتی و ملکوتی یعنی عالم عقول مجرده و نفوس کلی و سپس در آینه عالم مثال و خیال مطلق یعنی عالم مثل معلقه و پس از آن در عالم شهادت مطلق یعنی عالم ملک و طبیعت تجلی کرد.

پس، انسان که جامع و در بردارنده همه عوالم و آنچه در آن هاست می باشد، ظلّ حضرت جامع الهی است و عالم اعیان ظلّ حضرت غیب مطلق، و عالم عقول و نفوس و ظلّ حضرت غیب مضاف اقرب به مطلق، و عالم خیال و مثال مطلق ظلّ حضرت غیب مضاف اقرب به شهادت، و عالم ملک، ظلّ حضرت شهادت مطلق می باشد: آیا ندیدی که پروردگارت چگونه سایه را گستراند، به وسیله ظلّ اقدس در حضرت اسمائی و اعیان ثابته، و به وسیله ظلّ مقدس در حضرت شهادت و عالم ملک و ملکوت و جبروت.

بلکه می گوییم: همه وجودها، اعم از مرتبه سافل یا عالی، همگی با وجهی خاص بدون وساطت چیزی با خدای متعال مرتبط اند، چرا که مقید سرّ و باطنش، با «مطلق» در ارتباط است، بلکه عین مطلق است، به ترتیبی که راسخان در معرفت می دانند.

شیخ عارف کامل ما، که خداوند سایه اش را بر سر مریدان مستدام دارد [آیت الله شاه آبادی]، می فرمود:

مقید از حیث باطنش همان اسمی است که خداوند برای خود، برگزیده و او همان غیبی است که جز او کسی از آن آگاه نیست، زیرا باطنش مطلق است و [آن وجود] به تعین خود نه به حقیقتش، ظهور کرده است. پس همه اشیا بدون وساطت چیزی، نزد خداوند حاضرند.

و از اینجا، نفوذ علم خداوند و سربان شهودش در اشیا روشن می شود، و معلوم می گردد که خداوند باطن اشیا را نیز مانند ظاهر آن ها، و عالم ملک را همانند عالم ملکوت و عالم اسفل را مانند عالم اعلی، بدون واسطه بودن موجودی می بیند، [نه] آن طور که محبوبین از حقیقت می پندارند.

و در ظهور و حضور در محضر حق هیچ تفاوتی از حیث شدت و ضعف وجود ندارد، چنان که امیرالمومنین، علیه السلام، بنا به نقل وافی فرمود:

« علمه بالاموات الماضين كعلمه بالأحياء الباقين و علمه بما فى السموات العلى كعلمه بما فى الأرضين السفلى؛ علم خدا به مردگان گذشته مانند علم اوست به زندگان فعلی و علم او به آنچه در آسمان های رفیع است مانند علم اوست به آنچه در زمین های فرودین است» .

پس در این فرمایشات حق تعالی بیندیش: « ونحن أقرب اليه منكم و ما به او از شما نزدیکتریم»، « ونحن أقرب اليه من حبل الوريد؛ از رگ گردن او به او نزدیک تریم». « ألا ائّه بكلّ شىء محیط؛ باز بدانید که خدا بر همه موجودات عالم احاطه کامل دارد»، بلکه در واقع هیچ شیئی صاحب وجود نیست و هیچ موجودی از موجودات، مطلقاً دارای هویت محسوب نمی شود، که اوست آن مطلق و قیوم تام. پس از خواب غفلت بیدار شو و از مؤمنین موحد باش.